



راهبردهای آینده‌نگاری

نقش ما در آینده جهان چیست؟ هر تمدنی، هر ملتی، هر نظام و دولتی که بخواهد جایگاه خود را در آینده نظام بین‌الملل ببیند، نیاز به آینده‌پژوهی دارد؛ آینده‌نگری. اما این کافی نیست. اگر بخواهد مطلوبیت‌های خود و آرمان‌ها و آرزوهایش را محقق سازد، فراتر از آینده‌نگری، به آینده‌نگاری هم محتاج است؛ برنامه‌ریزی برای آینده. ایجاد تغییر یعنی!

ضرورت آینده‌نگاری

فرق خواب و بیدار در دیدن و شنیدن است. آن‌که خواب است نمی‌بیند و نمی‌شنود، پس از تغییرات آگاه نمی‌شود و هنگام بحران، بیشترین آسیب را تحمل خواهد کرد، مانند: زلزله و سیل. بیدار اما توجه دارد. پس تغییر را از ابتدا مشاهده می‌کند و پیش از رسیدن به مرحله غیرقابل نجات، تصمیم می‌گیرد، اقدام می‌کند و خود را شاید بتواند برهاند، یا حداقل از آسیب‌ها بکاهد. جامعه نیز مانند فرد، هر ملت و امت و دولتی ناگزیر از توجه به آینده است، تا بحران را پیش از وقوع حدس بزند و اقدام مقتضی را به انجام رساند.

آینده بدون آینده‌نگری

جامعه‌ای که آینده را نبیند، مانند انسانی که خواب است، هیچ حدس و گمانی از تغییرات نداشته باشد، در تلاطمات جهانی غافلگیر و متحیر شده، قادر به تصمیم صحیح نخواهد بود. دوام نخواهد آورد. نگاهی به تاریخ این حقیقت را نشان می‌دهد که چه تمدن‌ها بر اثر همین بی‌توجهی محو و نابود شدند.

آینده با آینده‌نگری

تمدنی که رویکردی به آینده دارد و نگاه به تحولاتی که در حال وقوع، فرصت برای تصمیم درست دارد. آینده را که مشاهده کند و وضعیت قدرت‌های مؤثر در آن را، در حوادث غافلگیر نشده و پیشاپیش وقتی برای محافظت از نظام اجتماعی خود. گویا دشمن به شهری در حال نزدیک شدن، وقت برای خندق‌کشی و دیوارکشی دارد.

آینده با آینده‌نگاری

راه سوئی اما وجود دارد؛ نه خواب غفلت، نه انفعال و ذلت، بلکه فعالیت مؤثر و جریان‌ساز. اگر قرار است دشمن به شهر ما حمله کند، تمدن ما که در خطر باشد، نظام اجتماعی در معرض آسیب، دشمن نیز مکان‌هایی دارد و عناصری که آسیب‌پذیرند و ضعیف. اگر به دور شهر خود خندق می‌کشیم، می‌توانیم به سوی نقاط ضعف دشمن نیز لشکر بکشیم.

آینده‌نگاری این است که پیش از حمله دشمن، وقتی از برنامه او آگاه شدیم، دست پیش را بگیریم و این‌بار مهاجم ما باشیم، قبل از آن‌که لشکر خود را جمع کرده و از شهر خود خارج شود. این ما خواهیم بود که در تحولات جهانی تأثیر می‌گذاریم و آینده را آن‌طور که صحیح می‌دانیم طراحی و معماری می‌نماییم.

هر چقدر که «آینده‌نگری» نگاهی منفعلانه و پذیرش‌گرانه دارد، دیدن آینده نامطلوب، «آینده‌نگاری» حاوی رویکردی تهاجمی و آرمان‌خواهانه است؛ توجه به آینده مطلوب.

جریان‌های تأثیرگذار

بخواهیم یا نخواهیم دشمنی هست. جریان‌های فکری و اعتقادی متفاوت؛ باورهای تمدنی، عملکردها هم متفاوت می‌شود. وقتی جریان‌های اجتماعی مختلف، هر کدام تمایل دارد دیگری را در خود منحل سازد. این امری قابل تردید و تشکیک هم نیست.

برای آینده‌نگاری شناخت جریان‌های آینده ضرورت دارد. باید بدانیم عناصر بازیگردان و تأثیرگذار در آینده کدام‌ها هستند، تا بتوانیم تأثیرات و تغییرات اجتماعی را تحلیل و شناسایی کنیم.

جریان‌های دیروز

در گذشته به روشنی می‌توان این تفاوت‌ها را دید. تاریخ مملو از جریان‌های اجتماعی متعارض و متضاد است که دائم در حال دشمنی با هم بوده‌اند. جریان استعمار لیبرال که بیش از دویست سال مردمان مناطق فراوانی از کره خاکی را به زبونی و خواری کشید. جریان‌های چپ مارکسیستی که برای رهایی مردم از استضعاف تلاش‌های بسیار کرد و در نهایت فروپاشید. قبل‌تر از همه این‌ها نیز جریان‌های امپراطوری و پادشاهی و سلطنت‌طلبانه که در هر منطقه‌ای از عالم بروز و ظهور پیدا کرده و اصرار بر توسعه مناطق تحت سلطه خود داشت.

جریان‌های امروز

امروز نظام‌های سلطنتی بی‌اثر شده‌اند و جز در موزه‌ها یا برخی تشریفات رسمی نمی‌توان ردپایی از آن‌ها دید. نظریه مارکسیسم هم به بن‌بست رسید و بطلان ادعاهایش واضح و بدیهی. انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای بود که در این چهل سال جریان «خداپرستی» را در جهان مطرح ساخت. امروز مهم‌ترین جریان‌های تأثیرگذار در معادلات جهانی این دو جریان هستند؛ لیبرال سرمایه‌داری، اسلام عدالت‌خواه شیعی.

جریان‌های آینده

برخی نظریه‌پردازان لیبرال سرمایه‌داری مدعی شده‌اند که تقابل اصلی در آینده میان دو جریان لیبرالی و کنفوسیوسی خواهد بود. پیشرفت‌های اقتصادی کشور چین و توسعه شگفت‌آور صادرات این کشور را نیز می‌توان دلیلی گرفت بر احتمال پدیدار شدن جریان کنفوسیوسی در میدان تأثیرگذاری آینده جهان.

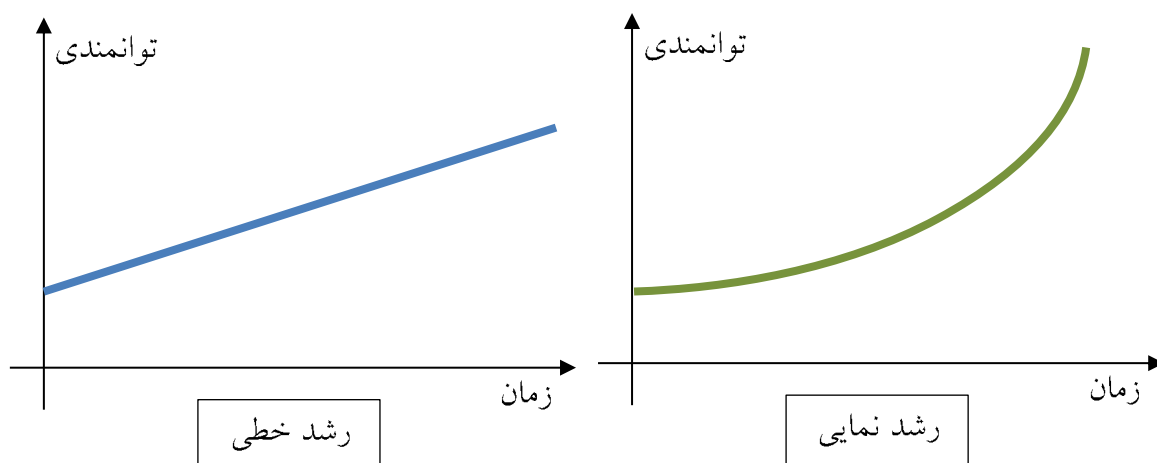
اگر چه برخی از آینده‌پژوهان این آینده‌نگری را بیشتر آینده‌نگاری تلقی می‌کنند؛ به این معنا که جریان لیبرال برای تضعیف دشمن اصلی خود، یعنی جریان اسلام عدالت‌خواه، تلاش می‌کند توجهات را به دشمنی فرضی جلب نماید، اما با فرض توسعه قدرت این جریان سوّم، آینده جهان را می‌توان در تقابل سه جریان مذکور دید.

انواع تغییر در آینده

آینده امتداد حرکت امروز است، همان‌طور که امروز از دیروز آغاز شده و آن‌چه امروز می‌بینیم پیش‌تر و در دهه‌ها و سده‌های گذشته زمینه‌سازی شده. حرکت یعنی تغییر. جامعه پیوسته در حال تغییر است و تغییرات اجتماعی امروز در آینده سه فرض اصلی و ساده برای تداوم دارد.

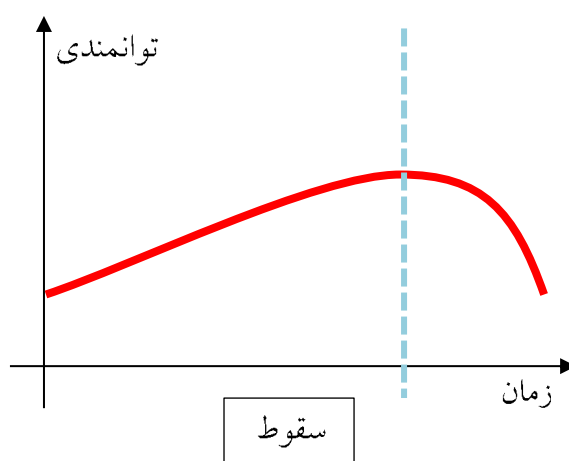
تداوم پیشرفت

پیشرفت‌های امروز چه خطی ($y=ax+b$) باشد و چه نمایی ($y=ax^2+bx+c$)، فرض نخست تداوم و امتداد آن در آینده است. یعنی حرکت به همین نحوی که امروز هست ادامه یابد و معادله این تغییر تغییر نکند.



بروز شکست

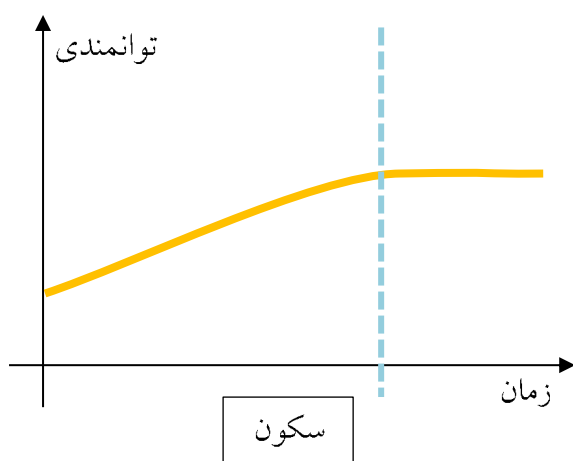
اما آینده همیشه تداوم امروز نیست. به صورت طبیعی منابع کاهش می‌یابد، گاهی انگیزه‌ها و امیدها از دست می‌رود و آرزوها تمام می‌شود. گذشته نشان داده است که چه توسعه‌های پرشتابی ناگهان شکسته شده و تبدیل به سقوط گشته‌اند. آینده هر رشدی می‌تواند به چنین نکسی منتهی شود.



سکون و ایستایی

در میانه امتداد و تداوم پیشرفت و سقوط راه دیگری نیز وجود دارد و احتمالی که در آینده می‌تواند رخ دهد: گاهی کاهش حجم منابع و از میان رفتن فرصت‌ها به اندازه‌ای نیست که ناامیدی پدید آورد، یا دشمن حضور قدرتمندی در شکاف‌ها و ضعف‌ها پیدا نکرده، وضعیت به حالتی از ثبات و بی‌حرکتی می‌رسد و نظام اجتماعی از حرکت مثبت اگر چه باز می‌ایستد، ولی حرکتی منفی نیز در پی نمی‌گیرد.

در این حالت جامعه به حالتی از انفعال و سکون می‌رسد که به داشته‌ها عادت کرده و از رشد باز ایستاده.



در تحولات اجتماعی هم فرد حضور دارد و هم جامعه به عنوان گروهی از افراد؛ یک ملت، یک امت، انسان‌هایی که رهبری واحد آن‌ها را گرد آورده است.

جبر تغییر

در این میان هم فرد تغییر می‌کند و هم جامعه، برخی ویژگی‌ها مربوط به فرد است و برخی ویژگی‌ها هم البته اختصاص به جامعه دارد، فراتر از احاد افراد. این ویژگی‌ها تغییر می‌کند.

همان‌طور که طبیعت تغییر دارد، حرکت دارد، فرد هم تغییر می‌کند، هم از نظر جوانی و پیری و سن و سال و هم از منظر ویژگی‌ها و خصوصیات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری. جامعه نیز همین‌گونه است. تغییر و حرکت دارد و این تغییر دائمی و پیوسته است؛ چه رو به رشد، چه رو به سقوط و چه در حال حفظ وضعیت موجود. اما در همان حال که وضعیت خود را حفظ می‌کند و به نظر می‌رسد ثبات و عدم تحرک دارد، قطعاً ابعادی از آن در حال تغییر است.

تأثیر تغییرات فرد و جامعه

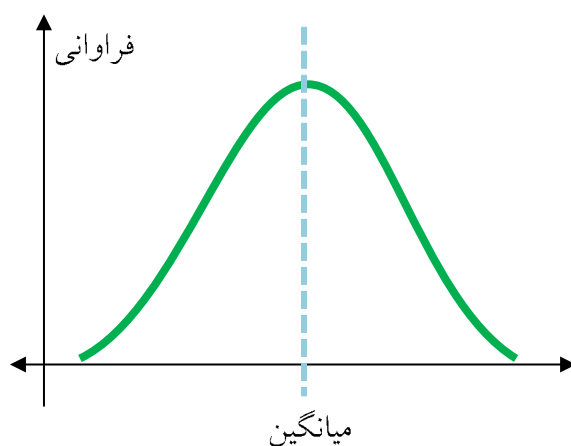
ویژگی‌های انسان‌ها بر هم اثر می‌گذارد و انعکاس می‌یابد و مانند پژواکی در کوهستان، تقویت شده و بزرگ می‌شود. برهم‌کنش این ویژگی‌ها جامعه را خاص می‌سازد. جوامع را از هم متفاوت می‌کند. جامعه ایران ویژگی‌هایی پیدا می‌کند که جامعه آلمان مثلاً ندارد.

جامعه نیز به شدت بر فرد مؤثر است. افراد در جامعه متولد می‌شوند و در آن رشد می‌کنند. با سنت‌ها و مناسک و مراسمات آن جامعه بزرگ می‌شوند. تأثیرات فرد از جامعه قابل تقلیل و صرف‌نظر نیست. کم هم نیست.

وقتی هم جامعه بر فرد اثر می‌گذارد و هم فرد بر جامعه، در این دور واقعی که وجود دارد، در این چرخه و سیکل، ما کجا باید حاضر شویم و تأکید آینده‌نگاری را بر کدامیک بنیان گذاریم؟

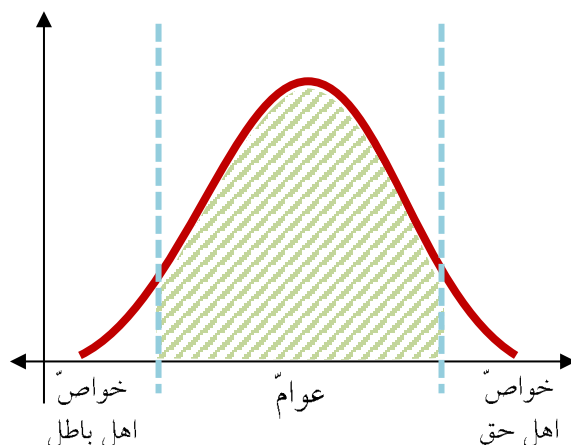
زنگوله عوام و خواص

در علوم اجتماعی، تحقیقات و بررسی‌ها نشان داده عموماً با وضعیتی مواجه هستیم که از آن با عنوان «زنگوله» یاد می‌شود. زیرا اکثر افراد جامعه در خصوصیت و ویژگی‌ها آن‌قدر مشابه هستند که فراوانی بیشتری در میانگین رقم می‌زنند و افراد متفاوت بسیار اندک، برخی در سمت افراط و برخی در سمت تفریط، نموداری شکل می‌دهند که شبیه به زنگوله‌ای است که به گردن احشام می‌افکنیم!



این همان اکثریتیست که به آن قشر خاکستری گفته می‌شود. اکثریت افراد در این منطقه از نمودار قرار می‌گیرند که تبعیت از جامعه دارند. جامعه بر این‌ها اثر فراوان می‌گذارد و باورها، اخلاق و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد.

اقلیتی که در سمت راست و چپ نمودار قرار می‌گیرند نیز خواصی هستند که یا اهل حق و یا اهل باطل، مردم را دعوت می‌نمایند. این اقلیت بر جامعه اثر می‌گذارند و ویژگی‌های آن را در گذر زمان تغییر می‌دهند.



مادامی که اکثریت افراد به تبعیت از نظام اجتماعی عمل می‌کنند و تحت تأثیر قوانین و سنت‌ها هستند، جامعه محور تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها خواهد بود. آینده‌نگری نیز بر محور جوامع صورت می‌پذیرد، تا اکثریت افراد را در پی خود حرکت دهد و به عرصه تغییر بیاورد.

اجزای جامعه

جامعه موضوعی مرکب است؛ واقعیتیست که از اجتماع افراد تشکیل شده است. اما این ترکیب ساده و بسیط نیست. مانند یک لشکر که اگر چه ظاهراً چیزی جز آحاد افراد نیست، اما نسبت افراد در آن یکسان نبوده و به گروه‌هایی با وظایف مختلف تقسیم می‌شوند: پیاده‌نظام، سواره‌نظام، کمان‌دار و امروزه: تک‌تیرانداز، زرهی، امداد، توپخانه.

جامعه به مثابه یک انسان

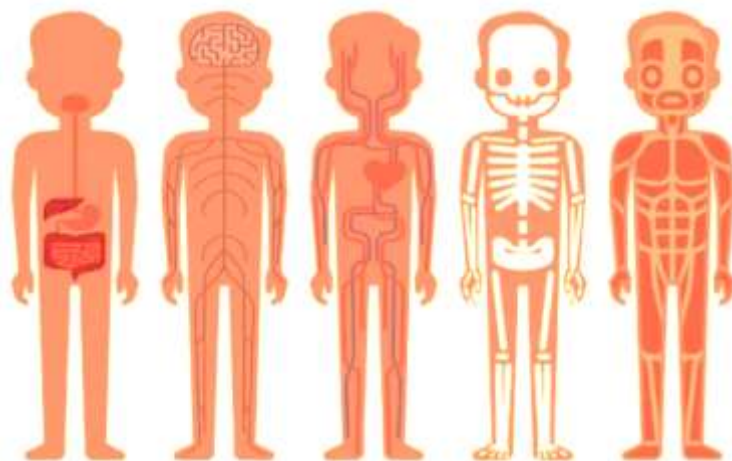
جامعه مثل یک انسان دارای اندام‌های مختلف است. این تشبیه می‌تواند درک ما را از عملکرد جامعه و اجزای آن ارتقا دهد. جامعه حرکت می‌کند، پس به اندام‌هایی برای حرکت نیاز دارد، مثل پاهای انسان. جامعه تدبیر می‌کند، پس مثل انسان نیاز به مغز متفکر دارد.

دستگاه‌های انسانی

انسان دستگاهی برای گردش خون دارد، تا مواد غذایی و اکسیژن را به سلول‌ها برساند و مواد دفعی و دی‌اکسیدکربن را تحویل گرفته و خارج سازد. دستگاه گردش خون خود یک سامانه کامل و مفصل است که دارای اجزای مختلف و متفاوت با کارویژه‌های گوناگون است؛ قلب، سرخرگ‌ها، سیاهرگ‌ها، مویرگ‌ها.

این دستگاه در مکان‌هایی هم با دیگر دستگاه‌های بدن تعامل پیدا می‌کند، با دستگاه تنفسی در ریه‌ها، با دستگاه دفع مایعات در کلیه‌ها، با دستگاه ذخیره‌سازی گلبول قرمز در طحال، با دستگاه هاضمه در روده‌های کوچک، با دستگاه غدد درون‌ریز در مکان‌های متعدد غددی، با دستگاه ذخیره‌سازی مواد غذایی در لایه‌های چربی، با دستگاه حرکتی در ماهیچه‌ها، با دستگاه ایمنی در غدد لنفاوی، با دستگاه تولید گلبول قرمز در مغز استخوان، با دستگاه پائیدارساز و نرمال‌کننده محتویات خون در کبد، با دستگاه تولیدمثل، با دستگاه تولید مو و ناخن، با دستگاه تولید عرق و چربی پوست، دستگاه

شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی، لامسه و در نهایت با رئیس تمام دستگاه‌های بدن، یعنی دستگاه عصبی، در مغز و نخاع.



تمام دستگاه‌های متعددی که در بدن انسان می‌یابیم وظایف اختصاصی خود را دارند و ضمن انجام این تکالیف با سایر دستگاه‌ها نیز ارتباط داشته و تعامل می‌کنند.

نظامات اجتماعی

هر نظام اجتماعی دستگاه‌های متعددی برای حفظ و تداوم رشد خود دارد. این دستگاه‌ها را می‌توان به اندام انسان تشبیه کرد، در یک نگاه کلان و به عنوان بیان نمونه‌ها:

۱. نظام‌های سیاسی، امنیتی، حاکمیتی، قضایی و تقنینی، مشابه: دستگاه عصبی و دستگاه ایمنی و دستگاه غدد
۲. نظام‌های فرهنگی، اخلاقی، تربیتی، آموزشی، پژوهشی و تبلیغی، مشابه: دستگاه هاضمه و دستگاه تنفسی
۳. نظام‌های اقتصادی، مالی و اعتباری، بانکی، بورس، بنگاه‌ها و شرکت‌ها، مشابه: دستگاه گردش خون

ترکیب عناصر تأثیرگذار

اکنون به رویکرد آینده‌نگاری که باز گردیم، همه این عناصر و اجزایی که ترسیم کردیم حضور پیدا می‌کنند و تأثیر می‌گذارند، در آنچه که قرار است اتفاق بیافتد.

جریان‌های جهانی

مهم است تا تمام جریان‌های اصلی تأثیرگذار در آینده جهان را بشناسیم. وضعیت امروز آن‌ها را توصیف کرده و وضعیت آتی آن‌ها را حدس بزنیم.

نظام‌های اجتماعی

هر کدام از این جریان‌های اجتماعی دارای نظام‌هایی داخلی هستند که همان نظامات اجتماعی‌ست، همان‌هایی که به اندام انسان تشبیه کردیم. نظام سیاسی دارند، فرهنگی، اقتصادی، بانک دارند، بورس دارند، آموزش و تعلیم و تربیت دارند، دستگاه‌های امنیتی نظامی و انتظامی دارند. به ازای هر جریان جهانی باید تمامی نظام‌های اجتماعی ملاحظه گردد.

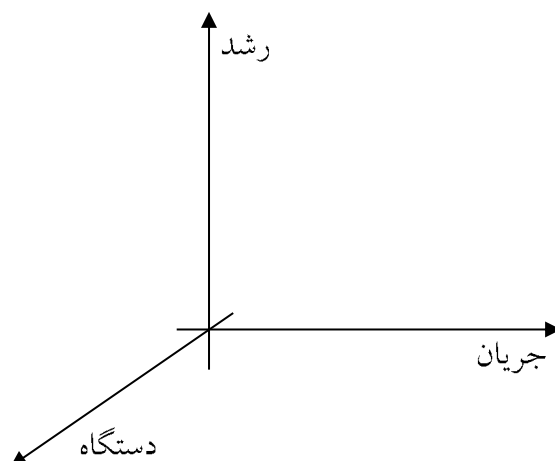
نوع تغییر

این نظام‌های اجتماعی تغییر می‌کنند. نظام‌های اجتماعی هر کدام از جریان‌های جهانی تغییرات ویژه خود را دارد. این تغییر نیز بیان شد که سه صورت کلی دارد؛ رشد، سقوط، سکون. برای هر کدام از نظام‌های هر جریان بایستی وضعیت خطی یا نمایی فعلی ترسیم شده و وضعیت آینده حدس زده شود.

عملیات آینده‌نگاری

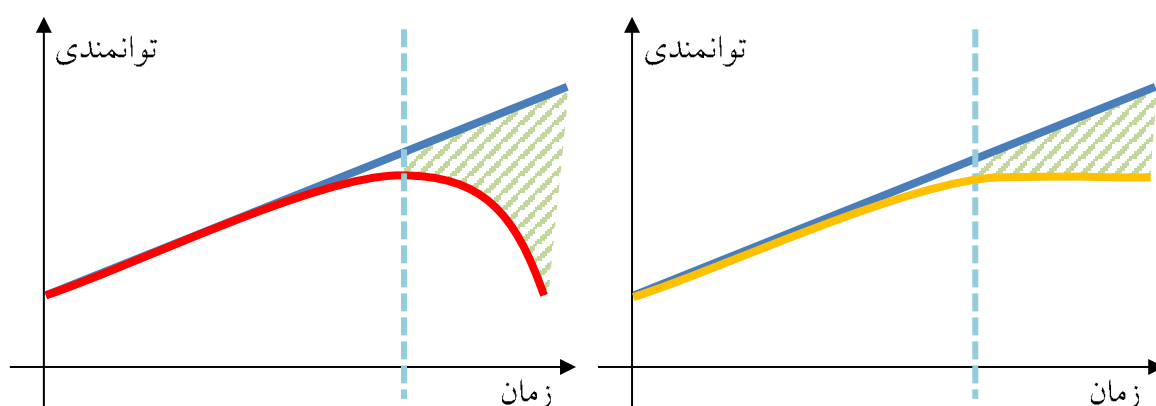
آینده‌نگاری دقیقاً از همین مرحله آغاز می‌شود؛ آینده‌نگری. تا آینده را نبینیم که نمی‌توانیم برای آن برنامه‌ریزی کنیم و تغییر دهیم. آینده‌ای که از ترکیب جریان‌های جهانی تأثیرگذار، نظام‌های اجتماعی این جریان‌ها و سرعت و مسیر رشد هر نظام به دست می‌آید. چه بسا نظام فرهنگی جریان لیبرال سرمایه‌داری رو به سقوط باشد، اما نظام امنیتی آن رو به رشد و در عین حال نظام اقتصادی آن در حال سکون.

با نموداری سه بُعدی مواجه خواهیم شد:



یافتن شکاف‌ها

در شناخت جریان‌های رقیب، وقتی نوع رشد نظامات اجتماعی آن‌ها شناسایی و ترسیم شد، شکاف‌هایی پدیدار خواهد گشت. این شکاف‌ها دقیقاً مناطقی‌ست که جریان فوق ضعیف شده و رو به نقصان خواهد گذاشت و فرصتی برای ما پدید می‌آورد تا به موقع در آن حاضر شده و عمل کنیم؛ شکاف را با جریان خود پر و تکمیل نماییم.



انتخاب شکاف‌ها

همان‌طور که تغییرات رشد نظامات اجتماعی هر جریان جهانی می‌تواند رو به سکون یا رو به نقصان و شکست باشد، میزان شدت این شکست یا سکون هم می‌تواند متفاوت باشد.

در سوی مقابل، نمودار پیش‌بینی رشد نظام‌های اجتماعی؛ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جریان اسلام عدالت‌خواه

شیعی را نیز که بر رسم، برخی موارد رشد پیشتازانه و موفقی را می‌توانیم حدس بزنیم. از مقایسه این وضعیت‌ها باید نظام‌های اجتماعی رقیبی را انتخاب کنیم که قابلیت و توانمندی بالایی در پُر کردن آن داریم و از طرف دیگر ارزش‌افزوده آن بیشینه خواهد بود، یعنی سطح بیشتری از نمودار پُر خواهد شد.

تمرکز توانمندی‌ها

پس از برگزیدن شکاف‌های حضور، یعنی مناطقی از نبرد که دشمن بیشترین ضعف را در آینده پیدا خواهد کرد، نوبت به حضور در میدان است.

حداکثر امکان و توانی را که یک نظام اجتماعی در اختیار دارد باید در این مناطق متمرکز کرد. مثلاً اگر نتیجه این شد که جریان لیبرال سرمایه‌داری در ده سال آینده دچار بحران هویت در نظام فرهنگی خواهد شد، باید تمام توان تولید محتوا، آموزش، تبلیغ، تربیت، ترویج حول این مسئله متمرکز شود و بزرگ‌ترین حجم بودجه‌ها را به خود اختصاص دهد، با این هدف که هویت جدیدی برای انسان غربی طراحی و ارائه گردد، با حضور در سبک زندگی او.

دعوت عمومی

از آن رو که می‌دانیم تمام توان یک دولت هم کافی نیست، تمام توان ملت هم لازم است، با تشریح فضای نبرد و روشن‌گری صحنه درگیری برای مردم. بخشی از توانمندی در عرصه آینده‌نگاری بایستی مصروف آگاه‌سازی و جهت‌دهی مردم شود تا با حضور خود در عرصه‌های دارای اولویت و شکاف‌های جریان رقیب، پیشرفت را تسریع نمایند.

خلاصه ماقبل

ما معتقدیم که بایستی در مسیر ظهور حضرت ولی عصر(عج) حرکت کنیم و شرایط را آماده حضور ایشان سازیم. گفته شد برای این منظور باید آینده را بشناسیم و برای تغییر آن برنامه‌ریزی کنیم. شناخت آینده مستلزم شناخت جریان‌های تأثیرگذار در آن است؛ جریان‌هایی دارای اجزا که دستگاه‌های نظام اجتماعی را شکل می‌دهند. هر کدام محتمل است که در آینده رشد کنند، سقوط نمایند و یا دچار ثبات و عدم تحرک شوند. با توجه به این‌که عموم افراد تحت سرپرستی جامعه تغییر می‌کنند، تغییر نظام اجتماعی اولویت اصلی در آینده‌نگاری است.

در کنار هم گذاشتن این حقایق و فکت‌ها ما را به معادلاتی می‌رساند که قدرت تأثیرگذاری در آینده جهان را در اختیارمان می‌گذارد. به شرط آن‌که تمام توان خود و ملت‌مان و ملت‌های جهان را که در جریان مقاومت و استقامت عدالت‌خواهانه شیعی قرار دارند به صحنه آوریم و بر شکاف‌های جریان‌های کفر متمرکز سازیم. کفر جز کفی روی آب نیست و به زودی زائل خواهد شد، این وعده حتمی خداست.

نُفَوْضُ أَمْرِنَا إِلَى اللَّهِ؛ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

یوم ۲۸ رمضان المبارک سنه ۱۴۴۵ - قم المقدّسه

